

نقش شعر و شاعری در ماندگاری پیام عاشورا

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲

چکیده

شاعران متعهد شیعی، تاریخ سرخ تشیع را در قالب زیباترین عبارات به نظم کشیده‌اند و با ذوق سلیم و طبع لطیف خویش، هم‌نوایی و همراهی خود را با عاشوراییان اعلان داشته‌اند و ما در صدد نشان دادن و تبیین این موضوع مهم می‌باشیم. ادبیات عاشورا از کنار گاهواره حماسه‌آفرین عاشورا آغاز شد و با خون دل داغدیدگان این ماتم - که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود - تداوم یافت. با توجه اهمیت این بحث در این نوشتار تحلیلی به بررسی مسأله نقش و جایگاه شعر و شاعری در ماندگاری حماسه عاشورا می‌پردازیم. هدف اصلی در این پروژه راز ماندگاری حماسه حسینی علیه السلام و قیام کربلا در قالب شعر و شاعری است. روش این مقاله تحلیلی کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر و در هر قسمت با تجزیه و تحلیل نویسنده ارائه شده است. به طور کلی سه نتیجه عمده از کل مقاله قابل استخراج است: «شاعران حسینی علیه السلام با اشعار خویش باعث ماندگاری قیام کربلا و نهضت عاشورا شدند»، «اشعار حماسی واقعه کربلا، عامل مهمی در ماندگاری و جاودانگی نهضت حسینی علیه السلام بوده است.» و «خلوص و اراده باطنی شاعران به اباعبدالله الحسین علیه السلام عامل دیگری در ماندگاری واقعه خونین کربلا بوده است.»

کلیدواژگان: شعر، حماسه عاشورا، حسین علیه السلام، قیام سرخ و جاودانگی.

مقدمه: نقش شاعران ایرانی در پویایی حماسه حسینی علیه السلام

با ورود اسلام به ایران، مردم رنج کشیده ایران که از ظلم پادشاهان ستمگر ساسانی به ستوه آمده بودند، با آغوش باز اسلام را پذیرفتند. ایرانیان در طول تاریخ همواره به اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی اش عشق می ورزیدند. در ایران نیز شعرا و گویندگان زبان فارسی از دیرباز به مدح و منقبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و به ویژه حماسه کربلا مبادرت ورزیده و آثار بسیار ارزنده و دل نشینی از خود برجای گذاشته اند، ولی آنچه موجب سرآغاز یک دگرگونی در روند معمول مراثی و مناقب ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام گردید، در دوره حکومت صفویه پایه گذاری شد.

در دوران حکومت صفویه، تشیع مذهب رسمی ایران قرار گرفت و نظم و نثر مذهبی ترقی بسیاری کرد. چون فرمانروایان این سلسله که نسبت خود را به موسی کاظم علیه السلام می رساندند، به مدح و ستایش خود توجهی نداشته و انعام و صلّه به شاعرانی می دانند که بزرگان دین و امامان و ائمه اطهار علیهم السلام را ستایش نمایند. اسکندر بیک ترکان مؤلف کتاب تاریخ عالم آرای عباسی، در شرح حال شاه طهماسب صفوی چنین می نگارد:

در اوایل حال، حضرت خاقانی جنت مکانی را توجه به حال این طبقه بود... و در اواخر ایام حیات که در امر به معروف و نهی از منکر مبالغه عظیم می فرمود، چون این طبقه علیه را وسیع المشرب شمرده، از صلحا و زمره اتقیا نمی دانست، زیاده توجهی به حال ایشان نمی فرمود و راه گذرانیدن قطعه و قصیده نمی داد.

بنابراین شعرا به جای مدح شاهان صفوی، به نعت انبیا و اولیا پرداختند و مدح و مرثیه آل رسول صلی الله علیه و آله را موضوع قرار دادند و مورد تشویق و ترغیب فرمانروایان صفوی قرار گرفتند، به طوری که معروف است، «شانی تکلو» شاعر این دوره به مناسبت سرودن بیت زیر که در مدح حضرت علی علیه السلام سروده بود، هم وزن خود، از شاه عباس صفوی به عنوان صلّه، طلا دریافت کرد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۲۳):

اگر دشمن کشد شمشیر گردوست به طاق ابروی جانانه اوست
در این دوره، علما نیز در جمع کردن اخبار و آثار شیعه و بسط فقه و حدیث کوشیدند؛

چنان‌که در مدت دو قرن و نیم حکومت صفویه، ایران شاهد ظهور و طلوع ده‌ها دانشمند و متفکر مشهور بوده است که هر یک از نوابغ بزرگ جهان اسلام به شمار می‌روند. از امتیازهای مهم این دوره آن است که مسائل دینی را سابقاً به زبان عربی می‌نوشتند؛ به طوری که «علامه مجلسی» دانشمند معروف این زمان نزدیک به پنجاه جلد کتاب و رساله در مسائل دینی و مذهبی به زبان فارسی نوشت و کتاب‌های دیگری مانند جامع عباسی «شیخ بهایی» و *ابواب الجنان* «قزوینی» در علوم دینی و احادیث و نظیر این‌ها به وجود آمد. بنابراین بی‌توجهی پادشاهان صفوی به مدح و ستایش سلطانی و تشویق و ترغیب آن‌ها به سرودن مراثی و مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام باعث دگرگونی ناگزیری در ادبیات و زبان فارسی گردید؛ چنان‌که سرودن مراثی شهیدان کربلا و مداحی اهل بیت علیهم‌السلام جای ویژه‌ای در ادبیات پیدا کرد و شعر و شاعری، مروج مذهب و وسیله‌ای برای اقامه مراسم سوگواری محرم و نشر مناقب و مراثی ائمه دین علیهم‌السلام گردیدند.

شعرا و گویندگان زبان فارسی، مراثی و اشعار مذهبی را در انواع مختلف قالب‌های شعری از قبیل: قصیده، مثنوی، غزل، ترکیب‌بند و... با شور و حالی دل‌نشین و سوزناک بیان داشته‌اند، ولی از میان قالب‌های شعری، بیان مراثی و مخصوصاً شرح حماسه عاشورای حسینی، پس از آن که «محتشم کاشانی» دوازده‌بند معروف خود را در مرثیه شهیدان کربلا سرود، در قالب ترکیب‌بند، متداول گردید و مورد تتبع قرار گرفت. دوازده‌بند محتشم کاشانی که با بیت زیر آغاز می‌گردد، دارای شهرت و انعکاس فوق‌العاده و تأثیر و قبول بی‌نظیری در ادبیات بعد از صفویه است؛ به طوری که بسیاری از شاعران بزرگ و صاحب‌فریحه، مانند «صباحی بیدگلی»، «وصال شیرازی» و «سروش اصفهانی» نیز به تتبع از آن پرداخته‌اند و در حالی که شاه‌کارهای زیبا و دل‌نشین آفریده‌اند، به جرأت می‌توان بیان داشت که هنوز هیچ‌کدام به گیرایی و محکمی و تأثیر عمیق آن در روح و درون آدمی، مطابق آنچه محتشم سروده، نیست:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

ترکیب بندهای مختلف «وصال شیرازی» که از شاه کارهای مراثنی در زبان فارسی به حساب می‌آیند، بسیار متنوع و زیاد هستند. وصال که استادی بزرگ و توانا بود، هنر شعریش را وقف عالی‌ترین حماسه تاریخ بشری؛ یعنی حماسه حسینی علیه السلام نمود و اشعاری بی‌همتا و دریایی از در و گوهر پدید آورد.

هر چند که این ترکیب بندهای شعراء، هر یک دارای زیبایی و لطف خاص خود است و هر سراینده‌ای بر حسب نوع مهارت و استادی که در سرودن قالب شعری خاص خود مانند غزل، قصیده و... داشته است تحت تأثیر این استادی و مهارت ترکیب‌بند را سروده و مقایسه کامل و همه‌جانبه‌ای نمی‌توان در این مختصر روی آن‌ها انجام داد، ولی برای شناسایی بیش‌تر مختصری در این باره بیان می‌گردد:

۱. عاشورا در اندیشه شاعران قبل از صفویه

اگر چه اغلب «قوامی رازی» شاعر شیعه مذهب را آغازگر شعر عاشورایی دانسته‌اند، اما نخستین قصیده و مرثیه را باید در دیوان «کسایی» جست‌وجو کرد و او را پیشگام شعر عاشورایی دانست. او نخستین سوگ‌نامه مذهبی را درباره فاجعه کربلا در قصیده‌ای آورده که مطلع آن چنین است:

باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا آراست بوستان را نیشان به فرش دیبا
 «قوامی رازی» شاعر شیعه مذهب قرن ششم به تقلید از کسایی واقعه کربلا را در شعرش ترسیم کرده و فریاد حق‌طلبان و بیدادگری یزیدیان را به گوش جهانیان رسانده است. او در قصیده‌ای پنجاه و نه بیتی با مطلع:

روز دهم ز ماه محرم به کربلا ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی
 هرگز مباد روز عاشورا در جهان کان روز بود قتل شهیدان کربلا

این واقعه را توصیف کرده است در این مرثیه، گویی شاعر خویش را در این واقعه قرار داده و آنچه می‌نگرد را توصیف می‌کند. در یک طرف یزیدیان بی‌شمار تا بن دندان مسلح هستند و چون ازدهایان مخوف تمام میدان‌ها را انباشته‌اند و در سوی دیگر حسینیان تشنه‌کام با عده‌ای اندک به خاطر افشای حقیقت به رهبری آزاد مردی از تبار

رسول الله ﷺ آمده‌اند تا جان خویش را برای دین خدا نثار کنند و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح داده‌اند.

در قرن ششم «سنایی» شاعر عارف در یک مثنوی بیست و چهار بیتی طرفداری خویش را از خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام اعلام می‌کند.

دشمنان قصد جان او کردند تا دمار از تنش برآورند
او برابن زیاد و یارانش که با شمشیر آخته بر امام حسین علیه‌السلام حمله ور شدند و سر مبارکش را از تنش جدا کردند لعنت می‌فرستد و ندای حق طلبی را به گوش مردم می‌رساند و پایه‌های حکومت ظالم را متزلزل می‌سازد. او در مثنوی جان‌سوز دیگری حماسه کربلا را توصیف کرده و نسیم برآمده از کربلا را از گلزار بهشت می‌داند:

حبذا کربلا و آن تعظیم کز بهشت آورد به خلق نسیم
نکته در خور توجه این است که نه تنها شاعران شیعه مذهب بلکه شاعران سنی مذهب نیز در مناقب سالار شهیدان سوگ‌نامه سروده و با سروده‌های خویش ندای مظلومیت سالار کربلا را به گوش آزاد مردان جهان رسانیده‌اند.
«عطار نیشابوری» شاعر و عارف قرن ششم و اوایل قرن هفتم ضمن مرثیه‌سرایی، حسین علیه‌السلام را ولی خدا دانسته و سیرت نیکویش را ستوده و از تشنه‌گامی و سربریده‌اش نالیده است:

کیست حق را و پیامبر را ولی آن حسن سیرت حسین بن علی
آفتاب آسمان معرفت آن محمد صورت و حیدر صفت

او هم چنین امام حسین علیه‌السلام را چراغ هدایت و دریای معرفت می‌داند و بر این عقیده است که تمامی عالم از نور پاکش منور شده است:

امامی که آفتاب خافقین است امام از ماه تا ماهی حسین است
چو آن خورشید اصل خاندان است به مهرش نه فلک از پس دوان است
چراغ آسمان مکرمت بود جهان علم و بحر معرفت بود

«مولوی» شاعر و عارف قرن هفتم در مثنوی، کربلا را همچون کعبه معرفی می‌کند:

مسجد اگر کربلای من شوی کعبه حاجت روای من شوی
او در غزلی دیگر به توصیف این مرغان عاشق کوی یار پرداخته که با رهایی از خویش
به حقیقت رسیده‌اند:

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک‌روحان عاشق پرنده‌تر ز مرغان هوایی
کجایید از زجان و دل رهیده کسی مرعقل را گوید کجایی

«سیف فرغانی» از شاعران سنی و حنفی مذهب که قصیده‌ای در شهادت گوهر پاک
علی مرتضی علیه السلام سروده و خسته‌دلان را در غم و ماتم فرو برده است:

ای قوم براین عزا بگریید بر کشته کربلا بگریید
«خواجوی کرمانی» شاعر قرن هشتم درباره فاجعه کربلا بر این باور است که اگر کوه این
مصیبت را بشنود دل افکار خواهد شد و تاب نخواهد آورد:

حدیث مقتل او گربه گوش کوه رسد شود ز خون دل اجزای او عقیق مذاب
او در شعر دیگری امام حسین علیه السلام را گوشواره عرش، جهان‌دار خرقه‌پوش، خسرو
صوفی‌نشان، سلطان حیدری و مروارید دریای شریعت محمدی صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند که با
لب خشکیده به شهادتش رساندند و جهانی را در سوگ نشانند:

آن گوشوار عرش که گردون جوهری با دامنی پراز گهرش بود مشتری
درویش ملک‌بخش و جهان‌دار خرقه‌پوش خسرو نشان صوفی و سلطان حیدری
در صورتش متین و در سیرتش مبین انوار ایزدی و صفات پیمبری
در بحر شرع لولوء شهوار و همچو بحر در خویش غرقه گشته ز پاکیزه گوهری
«خواجه ناصر بخاری» شاعر قرن هشتم با تعلیلی بسیار زیبا شکوفایی گل سرخ در بهار

را از خون امام حسین علیه السلام می‌داند و آنانی را که بعد از شهادت آن سرور دل‌براین دنیا
بسته‌اند کوردلانی می‌داند که اگر دنیا وفایی داشت با فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نمی‌کردند:

کوردلی کاو گزید دار فنا بر بقا کرد سرای سرور در سر بیت حزن
کشته یکی را به زهر، غم‌زده و تلخ‌کام خسته یکی را به تیغ تشنه لب و ممتحن



گل شکفتد در بهار سرخ ز خون حسین سبزه برآید ز خاک، سبزه زهرگین حسن
در قرن هشتم «سلمان ساوجی» در شعر خویش امام حسین علیه السلام را مظهر اسرار خدا،
چشم و چراغ انبیاء، آرام جان علی مرتضی علیه السلام و گل رخسار آل مصطفی صلی الله علیه و آله معرفی می
کند که مدفن مقدسش کعبه عز و علا و منزلگاه آیات رحمت الله، مهبط انوار عز و شرف و
مشهد آل عباس است.

بوی خوش نسیم صبحگاهی از تربت با طراوت اوست و سیاهی شب از کلاله زلفش
رنگ گرفته، زوار حریمش عرشیان و افلاکیانند:

خاک و خون آغشته لب تشنه کربلاست

آخرای چشم بلایین، خون جوی پایت کجاست

جزبه چشم و چهره مسپر خاک این در گه همه

نرگس و گل رخسار آل مصطفاست

ای دل بی صبر من، آرام گیر این جا دمی

وین حریم بارگاه کعبه عز و علاست

«اوحدی» یکی از شاعران دیگر است که در قصیده‌ای عزابه منقبت فرزند

رسول الله صلی الله علیه و آله پرداخته و از چشم‌ها می‌خواهد بگریند و با سیل اشک صحرای کربلا را
آبیاری کنند:

این آسمان صدق و در اختر صفاست

یا روضه مقدس فرزند مصطفی است

این داغ سینه اسدالله و فاطمه است

یا باغ میوه دل زهرا و مرتضی است

این دیده خوابگاه حسین علی است

این یا منزل معانی و معموره علاست

ای چشم خاک شو که بیابان محنت است

ای چشم آب ریز که صحرای کربلاست

«ابن حسام» از شاعرانی است که درد فراق خویش را به باد صبا می‌گوید و از او عاجزانه می‌خواهد که به مدینه و حجاز نزد رسول الله ﷺ برود و از قبرستان بقیع بگذرد. آن‌گاه عازم نجف اشرف شود و پس از آن پیامش را همراه با درود به برگزیدگان خدا به کربلای حسینی علیه السلام بگوید که چشمان او به خاطر هجر در خون نشسته است. او در این قصیده شهید کربلارا با جهانی برابر می‌کند که ازستم شامیان در غمش اشک‌ها روان است.

ای باد صبحدم خبریاری من بیار دانی چه خوش خبریاری من بیار
تلخ است کام من سخنی از لبش بگو تنگ است عیش من خبری زان دهن بیار

۲. عاشورا در اندیشه شاعران عصر صفویه و بعد از آن:

محتشم کاشانی

ترکیب بند محتشم، استادانه، متین و زیبا سروده شده و بیان حماسی - رسایی دارد. شروع آن با یک حالت پرسش و تعجب از علت و موضوع عزاداری در ماه محرم است: باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا کز او
کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات علم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عظیم که نامش محرم است
و آن‌گاه مرحله به مرحله بیان می‌گردد، تا این‌که شور و احساسات حماسی بیان به اوج خود می‌رسد:



روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سربرهنه برآمد ز کوهسار
گفتی که تمام زلزله شد خاک مطمئن گفتی فتاد از حرکت چرخ بی قرار
عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
و در پایان دامنه بیان احساسات با زیبایی خاصی به حالت عادی برمی گردد:
خاموش محتشم که دل سنگ آب شد بنیاد صبر و خانه طاقت خراب شد
تا چرخ سفله بود، خطایی چنین نکرد برهیچ آفریده، جفایی چنین نکرد
(محتشم کاشانی، بی تا: ۱۲۳-۲۵۵)

هم چنین تسلط و استادی محتشم است که کار او را بی نظیر و دارای تأثیر و گیرایی منحصر به فرد در بیان مراثی نموده است؛ در حالی که اصولاً در هر فنی پس از مبتکر می بایست پی گیران بعدی، پس از ممارست و کوشش بیش تر و زیاد تر شاه کار بیافرینند، ولی به جرأت می توان بیان داشت که دوازده بند محتشم در بین این سروده ها، تنها شاه کار است.

وحشی بافقی

«وحشی» که شاعری غزل سرا است. دارای ترکیب بندی کوتاه، شامل پنج بند که بیانی سنگین و دل نشین و با قدرت یک نواخت دارد:

روزیست این که حادثه کوس بلا زده است کوس بلا به معرکه کربلا زده است
روزیست این که کشته بی داد کربلا زانوی داد در حرم کبریا زده است
ای کوفیان چه شد سخن بیعت حسین و آن نامه ها و آرزوی خدمت حسین
ای قوم بی حیا چه شد آن شوق و اشتیاق آن جد و جهد در طلب حضرت حسین
(وحشی بافقی، به نقل از آینه وند، ۱۳۵۹: ۱۲۱-۱۳۲)

عاشق اصفهانی

«عاشق» از بهترین غزل سرایان قرن دوازدهم هجری است. دارای دوازده بندی زیبا، دل نشین و شورانگیز به سبک محتشم کاشانی:
امروز روز تعزیه آل مصطفی است امروز روز ماتم سلطان کربلاست

روزیست این‌که نخل فتوت زیبا فتاد روزیست این که شور قیامت به پای خاست
 تعداد ابیات هر بند مساوی و تک بیت‌های واسطه، رسا و سنگین است:
 جن و ملک به نوحه درآمد، عزای کیست این شور در زمین و فلک از برای کیست
 بیش از هزار سال شد اکنون که ماتم است از بهرا و هنوز چنین ماتمی کم است
 (عاشق اصفهانی، به نقل از مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۰۱-۲۱۰)

صبحاحی بیدگلی

«صبحاحی» - از شعرای معروف و چیره‌دست قرن دوازدهم و سیزدهم - در سرودن ترکیب‌بند استادی زیادی نشان داده است. ترکیب‌بندی که وی در بیان زلزله کاشان و مرگ فرزندان سروده، بسیار رسا و متین است. صبحاحی در پیروی از کار محتشم کاشانی نیز ترکیب‌بندی در چهارده بند سروده که بسیار عالی و سنگین و حتی بی‌نظیر است. اشعار وی دارای شروعی کوبنده و حماسی و همچون تابلویی زنده و برجسته است که با استادی و مهارت خاص، صحنه رویارویی حق و باطل را نشان می‌دهد:

افتاده شامگه به کنار افق نگون خور چون سربریده از بن طشت واژگون
 افکند چرخ مغرزرین و از شفق در خون کشید دامن خفتان نیلگون

چون شد بساط آل نبی در زمانه طی آمد بهار گلشن دین را زمان وی
 یثرب به باد رفت به تعمیر ملک شام بطحا خراب شد به تمنای ملک ری
 سرگشته بانوان حرم گرد شاه دین چون دختران نعش به پیرامون جدی
 (صبحاحی بیدگلی، ۱۳۳۸: ۱۲۷-۱۳۰)

خاقان

«فتحعلی‌شاه» قاجار علاقه وافری به شعر و شاعری داشت و شعر می‌سرود و تخلص شعریش «خاقان» بود. او دارای دیوان اشعاری است که بخش زیادی از آن را مرثی و اشعار مذهبی و نوحه تشکیل می‌دهد که در رثای شهیدان کربلا سروده است. وی به تتبع از محتشم کاشانی دارای ترکیب‌بندی است که بسیار روان و دل‌چسب و هنرمندانه

سروده شده. لطف کلام او با ذکر نمونه‌هایی از اشعارش مشخص می‌گردد:
در حیرتم که چرا غرق خون نشد
در ماتم حسین زمین واژگون نشد
جان جهان ز جسم جهان رفت و وین عجب
این جان سخت از تن یاران برون نشد
افتاد آسمان امامت چو بر زمین
ساکن چرا سپهر و زمین بی سکون نشد
بفشرد پای در ره صبر و رضا حسین
با حق نمود وعده خود را وفا حسین
(صاحب‌کاری، ۱۳۷۹: ۱۹۳)

وصال شیرازی

«وصال» بهترین مرثیه سرای اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌رود. فردی شاعر، دانشمند، عارف متقی و هنرمند بود.
مراثی وصال بالغ بردو هزار بیت است که بیش‌تر به صورت ترکیب‌بند و مثنوی سروده شده و به طور قطع یکی از شاه‌کارهای ادبی فارسی در این زمینه است. وصال بیش‌تر مراثی خود را درباره خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام در آخر عمر و در حالی که از دیده نابینا بود، سروده و سوز سخن وی در بیان مصائب اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم موضوعی است که هر خواننده‌ای با مطالعه مختصر مراثی وی به خوبی درمی‌یابد:
این جامه سیاه فلک در عزای کیست
وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست
این آه شعله‌ور که زد دل‌ها رود به چرخ
زان‌دوه دل‌گداز و غم‌جان‌گداز کیست
خونی اگر نه دامن دل‌ها گرفته است
این لخت دل بدامن ما خون‌بهای کیست

صاحب عزا کسی است که دل هاست جای او
 دل ها جز آن که مونس دل هاست جای کیست
 آری خداست در دل و صاحب عزا خداست
 ز آن هر دلی به تعزیه شاه کربلاست
 عقیده پاک و ارادت مخصوص به خاندان نبوت علیهم السلام، گفتار وی را به حد کمال
 رسانده و شعرش در اثر عنایت غیبی آن خاندان مکرم برتری خاصی یافته است.
 وی روزی در خواب حضرت فاطمه علیها السلام را دید، به وی سلام کرد و در پاسخ سلام خود
 عنایتی ندید، دوباره سلام کرد باز جوابی نیافت. آشفته حال عرض کرد: «مگر خدمت
 وصال، پذیرفته آن آستان نیست که بذل عنایتی نمی شود؟»
 حضرت فاطمه علیها السلام در جواب فرمود: «با این سعادت که خداوند به تو عنایت
 فرموده، دریغ است که تنها حسین علیه السلام را فرزند من دانی.» وصال سراسیمه و پریشان حال
 از خواب برخاست و مرثیه معروف حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را با سوز و گداز تمام
 سرود:
 از خواب جست تشنه لب آن بسط مستطاب
 بر کوزه برد لب که بر آتش فشاند آب
 آبی که داشت سوده الماس در کشید
 چون جعه جعه رفت همان دم به پیچ و تاب
 در شب دیگر که وقار به نوشتن آن اشعار با حضور پدر سرگرم بود، خوابش در ربود. پس
 از بیداری با کمال شادمانی پدر را به زیارت امام علیه السلام در خواب مژده داد و از قول آن
 حضرت بیان داشت که مرثیه پذیرفته شد، ولی در بند سوم امام علی علیه السلام در این شعر
 تصرفی فرمود که چنین است:
 خون خوردن و عداوت خلق و جفای دهر یعنی امامتش به برادر حواله کرد
 گفتار وصال معلوم نیست و از آن زمان تا کنون این شعر به همان تصرف امام علی علیه السلام
 خوانده می شود.

به هر حال بدون هیچ شک از مرحوم وصال جزاین مراثنی چیزی به جا مانده بود، باز وی در شمار شاعران بزرگ بود. چرا که سخن وی در بیان مصائب اهل بیت در اوج است و تاکنون کمتر کلامی باین سوز و گداز و در عین حال متین و منسجم به وسیله شاعری به رشته نظم در آمده است:

نوبهار است جهان زار چمن خوار چراست
عید شد سینه پرانده و دل افکار چراست
نالہ دل عوض مرغ خوش آواز چیست
اشک خونین بدل ابرگه‌ربار چراست
روز شادی است نه اندوه، بهار است نه دی
اثرانده و غم بردر و دیوار چراست
نه آن گلباد دادم کز گلستان و چمن جویم
نه آن گوهرزمن شد کز بدخشان و یمن جویم
نه آن گلزار شد افسرده، نه آن باغ پژمرده
که مانندش ز شمشاد و گل و سرو و سمن جویم
ولی آن گلبن خندان که عدوان داد بر بادش
در این گلشن که خواهد جست مانندش که من جویم
(وصال شیرازی، به نقل از مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام: ۱۵۲-۱۸۶)

سروش اصفهانی

«سروش» شاعر غزل‌سرای معروف دوره قاجاریه، دارای آثار منظوم بسیار زیادی در منقبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان نبوت و رسالت علیهم السلام است. وی مثنوی زیبایی به نام «روضه الانوار» و ترکیب‌بندی در شصت بند در ذکرواقعه کربلا و شرح وقایع و مبارزات سربازان مقاوم حق بر علیه باطل سروده که بسیار زیبا و رسا است:

ای دیده خون‌بیار که ماه محرم است نزد خدای دیده‌گریان مکرم است
فرمود شاه‌دین که منم کشته سرشک برزخم‌های شاه سرشک تو مرهم است

بی دیده پرآب و نفس های آتشین گرلاف مهرشاه زنی نامسلم است

پیرانه سربه معرکه جولانم آرزوست دشت مصاف و عرصه و میدانم آرزوست
سرباختن چوگوی به میدان عشق شاه باقامتی چوخم شده چوگانم آرزوست

روزی چنان به یاد زمین و زمان نداشت جوری ستاره کرد که خود گمان نداشت
دانی دراز بود چرا روز قتل شاه زیرا که قوت حرکت آسمان نداشت
بگرفت آفتاب و بلرزید کوه و دشت بارید خون تازه از این باز گونه طشت

(صاحب‌کاری، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۲۶۵)

وقار شیرازی

«وقار» فرزند ارشد «وصال شیرازی»، علم و کمال و شعر و شاعری را در محضر پدر استادش آموخته و در خاندان وصال دانشمندی تمام عیار بود. وی در سرودن مراثی و در قالب ترکیب‌بند به پیروی از محتشم و پدرش وصال دارای بیانی ساده، آهنگین، زیبا و سهل و ممتنع است و در این مقام، کمال استادی و دقت را به کار برده و موفق هم بوده است؛ به طوری که مراثی وقار که در جواب محتشم کاشانی سروده شده، به کار وی بسیار نزدیک است:

ای دل بنال زار که هنگام ماتم است وز دیده اشک بار که ماه محرم است
هر جا که بنگری همه اوضاع انده است هر سو که بگذری همه اسباب ماتم است

ای چرخ سال هاست که بیداد کرده‌ای امروز این طریقه نه بنیاد کرده‌ای
نشنیده‌ام دلی که زانده نخست‌ای یا خاطری که یک نفسش شاد کرده‌ای
لیک از هزار دل که بیستی به بند غم یک بار هم دلی زغم آزاد کرده‌ای

(همان: ۹۸)



محمود خان صبا

«محمود خان صبا» که در سرودن قصیده، استادی مسلم است در رثای شهیدان کربلا دارای ترکیب بندی است که بسیار سلیس و روان و محکم سروده شده و یکی از بهترین مرثیاتی موجود در این زمینه است:

| | |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| باز از افق هلال محرم شد آشکار | وز غم نشست بردل پیرو جوان غبار |
| باز آتش ز روی زمین گشته شعله ور | کافتاد از آن به خرمن هفت آسمان شرار |
| برخاست از زمین و زمان شور رستخیز | وز هر طرف علامت محشر شد آشکار |
| پیرایه بخش چهره صبر و رضا حسین | سرمایه شفاعت روز جزا حسین |

| | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| گردر زمانه واقعه کربلا نبود معلوم | قدر صبر و عیار رضای نبود |
| سبطنی چنین برای فداگر نبی نداشت | آسان بدو شفاعت روز جزا نبود |
| کی بر فلک درخت شقاوت کشید | سرگزیر خاک تخم جفا ز ابتدا نبود |
| آید کجا ز عهده این درد و غم برون | چشم زمانه بارد اگر تا به حشر خون |

(امام حسین علیه السلام در آینه شعر و ادب، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۹)

حجة الاسلام نیر

«حجة الاسلام نیر» که دارای قریحه سرشاری بوده، دیوانی مشحون از ذکر مناقب اهل بیت علیهم السلام و به ویژه حماسه آفرینان کربلا سروده است. وی چون دارای اطلاعات و معلومات وسیع مذهبی بود، از این اطلاعات و اصطلاحات در سرودن مرثیاتی استفاده نموده و نمونه های بسیار سنگین، محکم و متین به وجود آورده است. تشبیهات زیبا و لطیف او بسیار دل چسب و شورانگیز است:

| | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما | سرگردد و برون رود از کربلای ما |
| نا داده تن به خواری و نکرده ترک سر | نتوان نهاد پای به خلوت سرای ما |
| همراه بزم ما نبود طالبان جاه | بیگانه باید از دو جهان آشنای ما |
| برگردد آن که با هوس کشور آمده | سرنور به افسر شاهی گدای ما |

چون زد سراز سرداق حباب نیلگون صبح قیامتی نتوان گفتنش که چون
ترک فلک زجیش شب از بس برید سر لبریز شد زخون شفق طشت آبگون
لیلای شب دریده گریبان بریده مو بگرفت راه بادیه زین خرگه نگون
دست فلک نمود گریبان صبح چاک باید از ستاره به براشک لاله‌گون
افتاد شور و غلغله در طارق نه رواق چون آفتاب دین قدم از خیمه زد برون
(امام حسین علیه السلام در آینه شعر و ادب، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۲۶)

ادیب الممالک فراهانی

«ادیب الممالک فراهانی» که در علوم ادب و لغت فارسی و عربی استاد بود و در سرودن قصیده و قطعه مهارت کامل داشت، ترکیب‌بند رسایی در مرثی اهل بیت و واقعه کربلا سروده که دارای بیانی سنگین، متین، ادیبانه و سوزناک است:

آه از حسین و داغ فزون از شماره‌اش و آن دردها که کس نتوانست چاره‌اش
فریادهای العطش آل و عترتش تب خال‌های لعل لب شیر خواره‌اش
داغی که کهنه شد به یقین بی‌اثر شود وین داغ هر زمان اثرش بیش‌تر شود
(همان: ۲۵۶)

علامه کمپانی

«آیه الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی» دارای نبوغ و استعداد بی‌نظیر و اطلاعات و تحصیلات بسیار بالا در علوم و معارف اسلامی بوده از او دیوان اشعاری به زبان فارسی باقی مانده که مشحون از مدایح اهل بیت علیهم السلام و غزل‌های عرفانی است. وی چون دارای اطلاعات کامل مذهبی بود و تسلط جامعی به زبان و ادبیات عرب داشت، در مرثی و اشعار مذهبی خود از لغات و اصطلاحات تخصصی نیز استفاده نموده و دارای بیانی عرفانی، استادانه و لطیف است. ترکیب‌بند وی با کار محتشم کاشانی قابل مقایسه و هم‌ردیف است:

باز این آتش است که بر جان عالم است باز این چه شعله و غم و اندوه و ماتم است



باز این حدیث حادثه جان‌گداز چیست
 گلزار دهرگشته خزان از سموم قهر
 سهم قدر ز قوس قضا دل‌نشین رسید
 کرد آن سه شعبه نقطه توحید را دو نیم
 افعی صفت گرفت سراز کنج معرفت
 باز این چه قصه ایست که با توأم است
 گویا ربیع ماتم و ماه محرم است
 در مرکز محیط رضا تیرکین رسید
 وز شش جهت فغان به سپهر برین رسید
 بد گوهری به مخزن در سمین رسید
 (همان: ۳۶۶)

طوطی همدانی

«طوطی» دارای بیانی زیبا و ساده و دل‌نشین در مراثی شهیدان کربلاست. هر چند که در مقام مقایسه با سروده‌های سایر شعرا، کاروی در ردیف دوم قرار می‌گیرد، ولی ذوق سرشار و اخلاص باطن و بیان آهنگین در اشعار وی کاملاً مشهود است:

خون می‌چکد مدام ز چشم جهان هنوز بهر عزای خسرو لب‌تشنگان هنوز
 هنگامه عزای وی افکند تا قیام شور و نشور در سر پیرو جوان هنوز

شاهای عزای توست به پا تا جهان به پاست در قلب دوستان تو آشوب کربلاست
 از بند بندشان همه در ناله و خروش برپا چونی ز شور غم انگیز نینواست
 (موسوی همدانی، ۱۳۷۶: ۱۲۵-۱۲۷)

اهلی شیرازی

«اهلی شیرازی» دارای قصاید و اشعار زیادی در مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و رشای اهل بیت علیهم السلام و شهیدان کربلاست. هر چند که ترکیب بند وی در نعت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است، ولی چون از سرور شهیدان کربلا؛ یعنی امام حسین علیه السلام نیز ذکری به میان آمده است و هم چنین به علت زیبای خاصی که این ترکیب بند دارد و هر بند آن در مناقب یکی از امامان و ائمه علیهم السلام است، آن را در این جا آوردیم:

چون ز عالم تشنه لب شد سرور آزادگان حسین

کار ما از گریه سقائی است بریاد حسین

آفتابی چون نبی، ماه تمامی چون علی
شد قرآن هردو یک جا بهر ایجاد حسین
گر حسین تشنه لب را جان ز محنت سوختند
ماند از او شمعی که صد عالم چراغ افروختند

تأسی به محتشم

هم چنان که بریک کتاب مهم علمی و دینی مانند «اصول کافی» یا «رسائل و مکاسب» شیخ انصاری و «کفایة الاصول» آخوند خراسانی، شروح زیادی نوشته شده است؛ در استقبال از «ترکیب بند محتشم کاشانی» هم شعرهایی سروده شده است که در حقیقت شرح و حاشیه ای است بر سروده های جان سوز این شاعر دل سوخته شیعی. و این نمونه هایی از آن را که مانند بند نهم از دوازده ترکیب بند محتشم به نظم کشیده اند زمزمه می کنیم:

این کشته فتاده به هامون حسین توست
وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
این ماهی فتاده به دریای خون که هست
زخم ستاره برتنش افزون حسین توست

این رفته سربه نیزه اعدا حسین توست این مانده بر زمین تن تنها حسین توست
این آهوی حرم که تن پاره پاره اش در خون کشیده دامن صحرا حسین توست
این لاله گون عمامه که در خلد بهراو معجر کبود ساخته زهرا حسین توست

این لاله زار ساخته هامون، حسین توست
این کرده خاک، ماریه گلگون، حسین توست
این نوح کشتی آمده نزدیک جودیش
بشکسته و نیامده بیرون، حسین توست



این کشتی نهان شده در خون حسین توست
وین جسم چاک ناشده مدفون، حسین توست
این تشنه فرات که شد تشنه لب شهید
وز دیده راند دجله و جیحون، حسین توست
این رهنمای بادل و دانش که عقل پیر
اندر مصیبتش شده مجنون، حسین توست

این پاره پاره پیکربی سر، حسین توست
این سرخ رو زخون شهادت که در غمش
این فخر سر روان، که به قهراز قفا سرش
این کشته کومراست برادر، حسین توست
زهرا سیاه ساخته معجر، حسین توست
ببریده شمر شوم بداختر، حسین توست

این لؤلؤ و در گلگون حسین توست
وین خشک لعل غرقه در خون حسین توست
این هادی عقول که در وادی غمش
عقل جهانیان شده مجنون حسین توست

این صید خون تپیده به صحرا حسین توست
وین مرغ تیر خورده براعضاء حسین توست
این مرهم جراحی دل ها که از ستم
بگذشته درد او ز مداوا حسین توست
این سرو باغ فاطمه گز تیشه ستم
افتاده نخل قامتش از پا حسین توست
این شاه صبر پیشه غم پرور شکیا
کز ما ربوده صبر و شکیا حسین توست

این بنده خدا و عاشق بی چون حسین توست
 قلبش دریده و غرقه دریا خون حسین توست
 سردار سربه نیزه و تن به دیروتنور
 زخم‌های قلب او شده از تن برون حسین توست
 (امام حسین علیه السلام درآینه شعر و ادب، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۲۳۵)

ناصرالدین شاه

«ناصرالدین شاه» قاجار از شخصیت‌های سیاسی است، که اشعار جان‌سوزی در وصف امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا ارائه نموده است، که به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| عشق بازی کار هر شکیاد نیست | این شکار، دام هر صیاد نیست |
| عاشقی را قابلیت لازم است | طالب حق را حقیقت لازم است |
| عشق از معشوق اول سرزند | تابه عاشق، جلوه دیگر کند |
| تابه حدی که برد هستی از او | سرزند صد شورش و مستی از او |
| شاهد این مدعی خواهی اگر | بر حسین و حالت او کن نظر |

| | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| روز عاشورا در آن میدان عشق | کرد رورا جانب سلطان عشق |
| بارالها این سرم این پیکرم | این علمدار رشید، این اکبرم |
| این سکینه، این رقیه، این رباب | این عروس دست و پا خون در خضاب |
| این من و این ساربان، این شمردون | این تن عریان میان خاک و خون |
| این من و این ذکریارب یاربم | این من و این ناله‌های زینبم |

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| پس خطاب آمد زحق کی شاه عشق | ای حسین یکه تاز راه عشق |
| گرتو بر من عاشقی ای محترم | پرده برکش من به تو عاشق ترم |
| غم مخور که من خریدار توام | مشتری بر جنس بازار توام |
| هر چه بودت داده‌ای در راه ما | مرحبا صد مرحبا خود هم بیا |



خود بیا که می کشم من ناز تو عرش و فرشم جمله پا انداز تو
 لیک خود تنها در بزم یار خود بیا و اصغرت را هم بیار
 خوش بود در بزم یاران بلبلی خاصه در منقار او برگ گلی
 خود تو بلبل، گل؛ علی اصغرت زود تر بشتاب سوی داورت
 (دیوان ناصرالدین شاه قاجار، به نقل از سیری در مرثیه عاشورایی، ۱۳۷۹: ۲۶۶)

ایرج میرزا

مرثیه نه بیتی «ایرج میرزا» بهترین مرثیه ای است که در طول تاریخ ادبیات فارسی درباره واقعه عاشورا و حضرت سیدالشهدا علیه السلام سروده شده است. ایرج میرزا از اول مثل تصویربرداری به خانه ای داخل می شود که فرزند جوان خانه فوت شده و آنچه در خانه رخ می دهد، روایت می کند و بعد ذهنش را به دیار نینوا می برد و در سه بیت، همه واقعه عاشورا را احساس مندانه و با اشاره به تاریخ عاشورا به درستی بیان می کند. اما مرثیه ایرج از این قرار است:

رسم است هر که داغ جوان دیده رأفت برند حالت آن داغ دیده را
 یک دوست زیربازوی او گیرد از وفا وان یک ز چهره پاک کند اشک دیده را
 آن دیگری براو بفشانند گلاب قند تا تقویت شود دل محنت کشیده را
 یک چند دعوتش به گل و بوستان کنند تا برکنندش از دل، خار خلیده را
 جمعی دگر برای تسلی او دهند شرح سیاه کاری چرخ خمیده را
 القصه هر کس به طریقی ز روی مهر تسکین دهد مصیبت بروی رسیده را
 تا این جا تصویرهای ایرج در خانه جوانی که فوت شده است، روایت می شود. اکنون به داستان نینوا می پردازد:

آیا که داد تسلیت خاطر حسین چون دید نعش اکبر در خون تنیده را
 آیا که غم گساری و اندوه بری نمود لیلای داغ دیده محنت کشیده را
 بعد از پدر دل پسر آماج تیغ شد آتش زدند لانه مرغ پریده را
 (دیوان اشعار ایرج میرزا، به نقل از مجموعه مقالات امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۶-۹۴)

عمان سامانی

در میان تمام شعرایی که در مورد واقعه عاشورا شعر سروده‌اند، موقعیت «عمان سامانی»، شاعر عصر قاجار، موقعیت ویژه‌ای است. در حالی که اغلب شعرا با نگاهی سوگوارانه و گاه حماسی به عاشورا پرداخته‌اند، وی با نگاه عرفانی خود این واقعه را به نظم درآورده است.

اگر بخواهیم مقایسه کنیم، در حالی که محتشم کاشانی در شعر معروف «باز این چه شورش است» در گزارش کردن شاعرانه روز عاشورا تلاش کرده است، عمان تلاشش بر تفسیر عرفانی حرکت عاشورا و آن چه چشم ظاهر نمی‌بیند، متمرکز بوده است. شاید به همین دلیل باشد که هرچقدر شعر محتشم در میان توده مردم محبوبیت دارد، مثنوی عمان مقبول طبع خواص بوده است.

قسمت‌هایی از این مثنوی را که به رخصت طلیدن علی اکبر از پدر برای جنگ و وداع حسین ابن علی علیه السلام با فرزندش اختصاص دارد را مرور می‌کنیم:

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| تا که اکبر بارخ افروخته | خرمن آزادگان را سوخته |
| ماه رویش کرده از غیرت عرق | همچو شب‌بنم صبحدم برگل ورق |
| بر رخ افشان کرده زلف پرگره | لاله را پوشیده از سنبل زره |
| نرگس سرمست در غارتگری | سوده مشک تربه گلبرگ تری |
| آمد و افتاد از ره باشتاب | همچو طفل اشک، در دامان باب |
| «کای پدرجان، هم‌رهان بستند بار | مانده بار افتاده اندر رهگذار |
| از سپهرم غایت دلتنگی است | کاسب اکبر را چه وقت لنگی است |
| دیر شد هنگام رفتن ای پدر | رخصتی گرهست باری زودتر» |

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| در جواب از تنگ شکر، قند ریخت | شکر از لب‌های شکرخند ریخت |
| گفت: «کای فرزند، مقبل آمدی | آفت جان، ره‌زن دل آمدی |
| کرده‌ای از حق تجلی ای پسر | زین تجلی فتنه‌ها داری به سر |



راست به رفتنه قامت کرده‌ای
 نرگست بالاله در طنازی است
 از رخت مست غرورم می‌کنی
 گه دلم پیش تو گاهی پیش او است
 بیش از این بابا دلم را خون مکن
 پشت پا بر ساغر عالم مزن
 خاک غم برفرق بخت دل مریز
 همچو چشم خود به قلب دل متاز
 حایل ره، مانع مقصد مشو
 لن تنالوا البر حتی تنفقوا
 نیست اندر بزم آن والا نگار
 (دیوان عمان سامانی، به نقل از امام حسین علیه السلام درآینه شعر و ادب، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۲۵)

نتیجه‌گیری

شعرو خطابه و منبر در کشور ما مولود عاشورا است. امام حسین علیه السلام در زمانی که ستمگران و یزیدیان بر مسلمانان حکومت می‌کردند، قیام کرد و به دست سپاهیان کفر و ستم به شهادت رسید. او با شهادت مظلومانه خود، درس آزادگی و شجاعت به همه انسان‌ها داد. یکی از مهم‌ترین ثمرات قیام امام حسین علیه السلام آغاز ادبیات و شعر حماسی و مذهبی در رابطه با این حماسه بزرگ بود.

تأکید و توجه ائمه اطهار علیهم السلام به بزرگداشت نام و یاد امام حسین علیه السلام و بیان قیام آن حضرت، باعث گردید شاعران و صاحبان علم و خرد، هنر خود را در این راه به کار برند. و اینک که چهارده قرن از حماسه همیشه جاوید عاشورای حسینی علیه السلام می‌گذرد، پیام این حماسه بزرگ بدون هیچ‌گونه کم و کاست به نسل حاضر رسیده است. در حقیقت رمز ماندگاری اشعار شاعران به واسطه ماندگاری حماسه جاوید عاشورای حسینی علیه السلام است. نتیجه آن که اگر امروز قیام امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا هم چنان پویا و زنده است

به واسطه انسان‌های پاک و آگاهی است که هنر خویش را در خدمت به آن به کار گرفته‌اند و با اشعار خود این واقعه را به صورت یک واقعه حماسی به نسل امروز منتقل کرده‌اند. امید است شاعران متعهد و شیفته اهل بیت علیهم‌السلام نیز پیام نهضت کربلای حسینی علیه‌السلام را با همین حرارت و ابهت به نسل آینده منتقل کنند؛ چرا که نام و حماسه و قیام امام حسین علیه‌السلام آتشی است در قلوب مؤمنان که تا قیامت خاموش نخواهد شد.



منابع

- قرآن کریم.
- آل طعمه، سلمان هادی (۱۳۷۳)، میراث کربلا: تاریخ فرهنگی، اجتماعی کربلا، ترجمه: محمد رضا انصاری، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- آئینه‌وند، صادق (۱۳۵۹)، ادبیات انقلاب در شیعه، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرالعلوم، سید محمد (۱۴۵۱ق)، مقتل الحسین علیه السلام، قم، مؤسسه المنار للطباعه و النشر.
- برنجیان، جلالی (۱۳۶۷)، حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی علیه السلام، انتشارات طور.
- چوبینه، سجاد (۱۳۷۷)، نگاهی فلسفی به جریان عاشورا، قم، انتشارات ابرار.
- حرّانی، حسن بن علی بن شیبیه (۱۳۷۹)، تحف العقول، قم، انتشارات شریف الرضی.
- حیدر، اسد (بی تا)، نهضت خونین حسین علیه السلام، ترجمه: سید محمد جواد مرعشی نجفی، مقدمه: سید شهاب الدین مرعشی نجفی.
- خومحمدی خیرآبادی، سعید (۱۳۸۶)، مداحی در مکتب اهل بیت علیهم السلام، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل.
- دیوان محتشم کاشانی (بی تا)، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران، انتشارات محمودی.
- دیوان صباحی بیدگلی (۱۳۳۸)، به تصحیح و مقدمه: ح - پرتویضائی، به اهتمام: عباس کی منش ط مشق کاشانی، تهران، کتابفروشی زوار، چاپ اول.
- دیوان خطی صباحی بیدگلی (بی تا)، متعلق به: کتابخانه ملی مالک، شماره ۵۰۴۰.
- سید بن طاووس (۱۳۸۵)، اللهوف، منشورات المکتبه الحیدریه، النجف الاشرف.
- صاحب کاری، ذبیح الله (۱۳۷۹) سیری در مرثیه عاشورایی، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا.
- مدرائی اشکوری، سید محمد علی (۱۳۲۵ش)، نهضت حسین علیه السلام، وقایع عاشورا، انتشارات کتابخانه و چاپ احتمال.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۹۷۳م)، تفسیر المیزان، قم، مؤسسه مطبوعات

اسماعیلیان ..

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ق)، مکارم الاخلاق، بیروت، انتشارات مؤسسه اعلی. عاملی، امیر (۱۳۷۶)، نیزه بریزید (مجموعه اشعار عاشورایی)، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه.
- عاملی، محمد بن الحسن الحر (۱۳۹۱ق)، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فرزانه، احمد (۱۴۰۳ق)، نهج الشهاده، قم، مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
- قائمی، علی (بی تا)، نقش زنان در تاریخ عاشورا، قم، انتشارات شفق.
- قائمی امیری، محسن (۱۳۷۶)، نهضت حسینی، تهران، انتشارات فؤاد.
- قربانی، صفر (۱۹۷۷م)، نوحه و مرثی عاشور قربانی، مشهد، معجم رفاهی.
- قرنی گلپایگانی، علی (۱۳۶۹)، منهاج الدموع، قم، انتشارات دار الفکر.
- قمی، حاج شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گوهری، محمد جواد (۱۳۶۸)، دعبل علی بن الخزاعی، انتشارات سپهر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام در آئینه شعروادب، نشر مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
- موسوی مقرر، عبدالرزاق (۱۳۹۴)، مقتل الحسین علیه السلام، قم، منشورات مکتبه بصیری.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۶)، نگاه عارفانه بر محرم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶)، مستدرک الوسائل، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، چاپ اول.